

## بررسی روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

(دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰)

(مطالعه موردی: شهر تهران)

کیومرث یزدان‌پناه درو<sup>۱\*</sup>، ندا عسگری<sup>۲</sup>

### چکیده

جغرافیای انتخابات از مباحث مهم جغرافیای سیاسی است که از طریق همین گزینش‌های سیاسی مهم‌ترین افراد سیاسی کشور به صورت رسمی انتخاب می‌شوند. چنانچه یک کشور مانع مشارکت بعضی مردم در انتخابات شوند، این نظام دموکراتیک نیست. یکی از وجوه مهم دموکراتیک بودن نظام سیاسی حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی است و در این میان نحوه برخورد و رفتار جامعه با زنان از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی و اجتماعی در آن جامعه است که شرایط را برای حضور فعال و مشارکت مؤثر زنان و بهره‌گیری جدی‌تر از قدرت، تفکر، ابداع و خلاقیت آن‌ها فراهم می‌آورد. از این رو، با درک اهمیت مشارکت سیاسی زنان، هر کشوری باید تلاش کند موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مشارکت زنان را رفع کند و زمینه دستیابی به رشد و شکوفایی جامعه در همه عرصه‌ها را فراهم آورد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی طی سه دوره متوالی ۸، ۹ و ۱۰ است. جامعه آماری این تحقیق شامل آن دسته از مدیران و کارشناسان مراکز مطالعات و پژوهش زنان در ارگان‌های مختلف و همچنین دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادان دانشگاه بودند که با موضوع بررسی شده این پژوهش در ارتباط بودند. روش انتخاب این افراد به صورت تمام‌شمار در دسترس تعیین شد (N= 38). ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش پرسش‌نامه محقق ساخته بود که براساس مطالعه اکتشافی تدوین شد. در این مطالعه، پنج عامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و شخصیتی و یک شاخص موانع موجود بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی شناسایی شدند. تجزیه و تحلیل یافته‌های این تحقیق بر پایه نرم‌افزار SPSS25 و آزمون تی تک‌نمونه‌ای، رگرسیون خطی ساده، رتبه‌بندی فریدمن و تحلیل استنباطی- توصیفی استوار بود.

### کلیدواژگان

انتخابات، زنان، شهر تهران، مجلس شورای اسلامی، مشارکت.

kyazdanpanah@ut.ac.ir

neda.asgari@ut.ac.ir

۱. استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۶

## مقدمه

جامعه ایران در حال پیمودن مسیر توسعه و نیازمند حرکت و همکاری همه افراد در هر رده و سلسله مراتب اجرایی و عملی است. استفاده مناسب از توانایی‌های زنان و ایجاد و تقویت روحیه قانون‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و مشارکت آگاهانه و خلاق در امور جامعه و آشنا کردن آن‌ها با مشکلات واقعی جامعه و بسترسازی مناسب برای شکوفایی انجمن‌های همیار و مشارکتی زنان نیازمند حرکتی کارشناسانه و علمی برای این قشر و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان است. باید به زنان و مشارکت آن‌ها در نهادها و مؤسسات توسعه‌ای همچون اجرای پژوهش‌های راهبردی و زمینه‌سازی علمی و فکری لازم در این زمینه توجه ویژه شود. در واقع، امروزه با به‌وجود آمدن زمینه‌های مناسب جهت فعالیت‌های اجتماعی زنان، دامنه مسائل مربوط به آنان نیز گسترش یافته است. از این رو، مشارکت زن به‌عنوان عوامل مستقل و قانونی در فعالیت‌های اجتماعی به شناسایی و تحقق عملی حقوق او در عرصه نابرابری اجتماعی منجر خواهد شد و شناخت عوامل بازدارنده و تسریع‌کننده این مشارکت باعث بسط توسعه پایدار در جامعه می‌شود. در واقع، یکی از وجوه مهم دموکراتیک‌بودن نظام سیاسی حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی است [۱۲]. به طوری که یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت زنان و نوع مشارکت آنان در محیط مردان است، زیرا توسعه فقط در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود، بلکه عواملی مانند وضع سیاسی، اجتماعی و مشارکت همگانی افراد، به‌خصوص زنان، نیز بر این فرایند مؤثر است [۱۳]. زیرا زنان خواهان آن‌اند تا در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و کلان ملی حضور جدی و فعال داشته باشند. در واقع، حضور زنان در جامعه و افزایش مشارکت اجتماعی-سیاسی آن‌ها امری واقع و مقبول است و نشانه رشد جوامع و عقلانیت است [۸]. شرکت زنان در انتخابات در نقش نامزد انتخاباتی، علاوه بر آنکه بلوغ سیاسی این قشر را به اثبات می‌رساند و به توسعه سیاسی کشور منجر می‌شود، به بهبود وضعیت و موقعیت زنان در جامعه نیز منتهی خواهد شد [۵].

لذا هدف تحقیق حاضر این است که عوامل و موانع مؤثر بر مشارکت زنان را بررسی و راهکارهایی برای حضور بیشتر زنان ارائه کند. بر این اساس، فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و شخصیتی بر روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی تأثیر گذارند؛
۲. به نظر می‌رسد که موانع قانونی و عملی متفاوتی بر سر راه مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی تهران طی دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰ وجود دارند.

نتیجه‌گیری کلی از فرضیه اول، که با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد، بیانگر این امر بود که عوامل «اقتصادی»، «اجتماعی-فرهنگی» و «شخصیتی» جزء عوامل مهم‌اند و در ادامه نیز برای

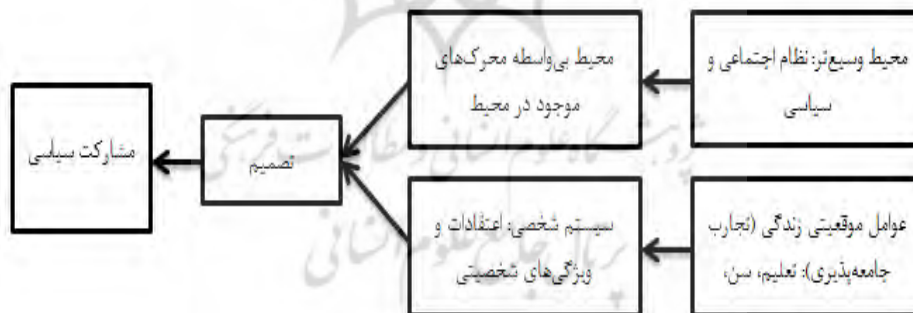
تشخیص میزان اثرگذاری هریک از عوامل از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد و نتایج نشان‌دهنده بالابودن تأثیرگذاری عامل اقتصادی و عامل سیاسی بر مشارکت زنان است. در فرضیه دوم پژوهش نیز، که با اطمینان ۹۹ درصد تأیید شد، نتایج نشان داد که موانع مشخص شده به مقدار زیادی در ایجاد مانع در روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس تأثیرگذارند و بالاترین میانگین رتبه‌ای به عامل «بی‌اعتمادی به عملکرد مدیران و نمایندگان زن» اختصاص دارد.

### مبانی نظری و مطالعات پیشین

مشارکت در انتخابات یکی از راه‌های رسیدن به توسعه سیاسی است. مردم با مشارکت در انتخابات در امور سیاسی کشورشان دخیل می‌شوند و می‌توانند برای آینده کشورشان تصمیم بگیرند. در واقع، مشارکت سیاسی مشروعیت حکومت را تضمین می‌کند. هرچه این مشارکت بیشتر باشد آن حکومت در سطح بین‌المللی اعتبار بیشتری خواهد داشت. از آنجا که نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند، در واقع حضور آنان در انتخابات به معنای انتخاب نماینده زن در مجلس و دفاع از حقوقشان است. انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت پیش‌بینی شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است؛ ابزاری که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد [۱۱]. انتخابات فرایندی است که در جریان آن مردم رئیس‌جمهور، اعضای مجلس نمایندگان (پارلمان)، رهبران احزاب سیاسی و دیگر نهادهای ممثل اراده جمعی را انتخاب می‌کنند. انتخابات فرصتی را فراهم می‌آورد که مردم، به‌طور آزادانه و بدون هراس و فشار، برای تعیین سرنوشت سیاسی خود رأی می‌دهند و رهبران سیاسی خود را انتخاب می‌کنند. انتخابات به میدان تلاش و رقابت نامزدهای انتخاباتی برای کسب آرای مردم نیز گفته می‌شود که هریک از این نامزدها اعتبار و شخصیت سیاسی-اجتماعی خود و مقبولیت برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی خود را در معرض قضاوت مردم قرار می‌دهند. مردم در جریان انتخابات به این نامزدها و برنامه‌هایشان رأی می‌دهند و براساس آرای مردم، قدرت سیاسی و اداره حکومت برای مدت معینی به آنان سپرده می‌شود. برنده انتخابات از طریق کسب آرای بیشتر از سوی نامزدان تعیین می‌شود [۹]. در ایران، بعد از انقلاب مشروطه، مجلس شورای ملی ایجاد شد و نمایندگان مجلس از طرف مردم مناطق گوناگون انتخاب شدند و به مجلس راه یافتند. نهضت مشروطه نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌آید. یکی از دستاوردهای مهم نهضت مشروطه اعطای حق تأثیرگذاری مردم در سرنوشت سیاسی خود به آن‌ها بود. هرچند این مهم در عمل آن‌گونه که باید تحقق نیافت، استقرار

مجلس پس از نهضت مشروطه در ایران به‌نوعی بیانگر این حرکت است. جغرافیای انتخابات از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به‌منزله بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است. مرز این محدوده‌ها در ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت تأثیر قطعی دارد. محدوده‌های جغرافیای سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار دارد [۴]. جغرافیای مشارکت و رفتارهای انتخاباتی از مباحث مهم جغرافیای انتخابات محسوب می‌شوند [۶]. مشارکت در لغت به‌معنای همکاری کردن، شرکت کردن و شریک‌شدن است. مشارکت در واقع شرکت داوطلبانه گروهی از مردم در برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی- اجتماعی است که در توسعه ملی نقشی اساسی دارند. مشارکت، برانگیختن حساسیت مردم و در نتیجه افزایش درک و توان آن‌ها برای پاسخ‌گویی به طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است [۷]. مشارکت افراد در امور سیاسی، به‌عنوان یک رفتار، در قدم اول نیازمند کسب اطلاع، ایجاد شناخت و یادگیری درباره اهمیت و چگونگی آن است، اما صرف شناخت اولیه در این زمینه ضرورتاً به مشارکت منجر نمی‌شود، زیرا بروز رفتاری مانند مشارکت سیاسی اساساً نیازمند مهارت‌های فردی و نیز منابع در دسترس است [۱].

متغیرهای مؤثر بر مشارکت سیاسی را می‌توان به دو دسته متغیرهای درونی (متغیرهای روان‌شناختی) و متغیرهای بیرونی (شرایط اجتماعی و سیاسی) تقسیم کرد [۳]. تأثیر این متغیرها بر مشارکت سیاسی را می‌توان در نمودار ۱، که میلبراث<sup>۱</sup> و گوئل<sup>۲</sup> ارائه کرده‌اند، مشاهده کرد [۱۵].



نمودار ۱. متغیرهای مؤثر بر تصمیم به مشارکت سیاسی [۱۵]

1. Lester Milbrath
2. Goel

جدول ۱. پیشینه تحقیق

نام محقق	توضیحات	نتیجه‌گیری
مک کلارگ	تعاملات اجتماعی عنوان سیاسی مهم دارند. اندازه شبکه تعاملات افراد نیز مهم است.	افرادی که با دوستان و آشنایان سیاسی بیشتری ارتباط داشته باشند از مشارکت سیاسی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود [۲۰].
لایگلی	داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود.	بحث با دوستان علاقه‌مند به سیاست یا دوستان فعال سیاسی به یادگیری فرد در امور سیاسی کمک می‌کند. بدین صورت که تعامل اجتماعی، افراد را در معرض اطلاعات قرار می‌دهد و به آنان کمک می‌کند تا زبان کارکردهای سیاست و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی را یاد بگیرند. همچنین، این مسئله موجب تسهیل مشارکت سیاسی آن‌ها می‌شود [۲۰].
دی. ال. شت	رابطه متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات، مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی، شهرنشینی و عضویت سازمانی مؤثر با متغیر میزان مشارکت سیاسی افراد را نشان داد.	سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است [۱۷].
دال	میزان تحصیلات، به‌صورت غیرمستقیم، بر مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد.	که هرچه میزان تحصیلات بالاتر باشد، احساس اثربخشی سیاسی افزایش می‌یابد [۱۴].
پژوهش‌های آلموند و وربا	الگوی مشارکت در درون گروه‌های طبقاتی گوناگون تفاوت معناداری داشته است.	طبقات اجتماعی بالاتر مشارکت بیشتری دارند [۱۶].
هانتینگتون [۱۸]، لیپست و دوز [۱۹]، آلموند و وربا [۱۶] و میلبراث [۲۲]	در انجمن‌های داوطلبانه و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی توجه کرده‌اند [۲۱].	در پژوهش‌های خود به عضویت افراد
پیشگاهی فرد و کیانی	به‌رغم جدیدت ارزنده و تلاش و همبستگی زنان برای حضور قدرتمند در صحنه‌های مدیریتی، اقتصادی و اداری، حضورشان در عالی‌ترین جایگاه قانون‌گذاری کشور، یعنی مجلس شورای اسلامی، طی سال‌های گذشته در فراز و نشیبی مبهم روند نزولی داشته است.	نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سهم زنان از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در مناطق شهری بزرگ در مقایسه با مناطق شهری کوچک و روستاها بیشتر بوده است و همچنین در حوزه‌های چندعضوی در مقایسه با حوزه‌های تک‌عضوی شانس بیشتری داشته‌اند [۵].

نام محقق	توضیحات	نتیجه گیری
باستانی و همکاران	طبق نتایج این پژوهش، با عنوان جنسیت و توسعه در کشورهای اسلامی نفتی و بدون نفت، موقعیت زنان در همه کشورهای اسلامی طی سال‌های ۱۹۹۶-۲۰۰۹ از نظر بهداشتی و آموزشی بهبود یافته است؛ اما از نظر اقتصادی و سیاسی تغییرات مهمی صورت نگرفته است. در مؤلفه‌های بهداشتی و آموزشی کشورهای نفتی عملکرد بهتری نسبت به کشورهای اسلامی بدون نفت داشته‌اند.	زنان در کشورهای اسلامی نفتی نسبت به کشورهای اسلامی بدون نفت نرخ مشارکت کمتری در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی داشته‌اند. نابرابری، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، در کشورهای اسلامی همچنان چشمگیر است و این نابرابری جنسیتی به کاهش بیشتر مشارکت زنان می‌انجامد. رفع این نابرابری‌ها از طریق نهادینه کردن نگرش‌های جنسیتی در برنامه‌های توسعه امکان‌پذیر خواهد بود [۲].
قاسمی و معالی	در پژوهشی با عنوان عوامل محدودماندن مشارکت سیاسی زنان (بررسی عوامل محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان) معتقدند تعداد نمایندگان زن در نهاد قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران همواره محدود و انگشت‌شمار بوده‌اند. این در حالی است که برای حضور زنان در مجلس شورای اسلامی هیچ‌گونه محدودیت قانونی وجود ندارد. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند، اگر آنان با مشارکت فعال در انتخابات حضور یابند، چنین وضعیتی پیش نخواهد آمد. بنابراین، باید بخش مهمی از عوامل مؤثر در محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس را در جامعه زنان و رفتار انتخاباتی آنان جست‌وجو کرد.	نتایج پژوهش نشان می‌دهد عوامل درونی که گرایش زنان را شکل می‌دهد از یک‌سو و عوامل مختلف محیطی که فعالیت‌های زنان را جهت می‌دهد از سوی دیگر در بروز وضعیت مورد مطالعه مؤثرند. در این میان، عوامل فرهنگی و چگونگی جامعه‌پذیری زنان مهم‌ترین عوامل محدودکننده مشارکت سیاسی زنان و محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی است [۱۰].

## روش تحقیق

هدف پژوهش حاضر کاربردی و روش و ماهیت آن توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه) است. جامعه آماری این پژوهش شهر تهران است و از آنجا که مطالعه حاضر بر مسائل جنسیتی تکیه دارد، اغلب مراکز مرتبط با مطالعات زنان جهت بررسی انتخاب شدند. این مراکز شامل: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، انجمن ایرانی مطالعات زنان، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا(س)، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری (نام‌های پیشین: شورای فرهنگی اجتماعی زنان، مرکز امور مشارکت زنان، مرکز امور زنان و خانواده)، اداره کل امور زنان و خانواده وزارت کشور، شورای فرهنگی-اجتماعی زنان و شورای عالی انقلاب فرهنگی است. با استفاده از نرم‌افزار Spss در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی (مقیاس رتبه‌ای با طیف پنج‌سطحی لیکرت، آزمون T-test تک‌نمونه‌ای مستقل، آزمون رگرسیون خطی ساده، معادله رگرسیونی، آزمون مقایسه‌ای میانگین‌ها و آزمون کلموگرف-اسمیرنوف، رتبه‌بندی فریدمن) به تجزیه تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. تعداد ۳۸ نفر از متخصصان امور زنان از بین چهار دسته کارکنان و کارشناسان مراکز و پژوهشگاه‌های امور زنان، استادان دانشگاه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌صورت تمام‌شماری به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

## یافته‌های تحقیق

هدف فرضیه اول پژوهش بررسی میزان اهمیت و تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی است که شامل پنج شاخص اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و شخصیتی‌اند و در جریان مطالعه اکتشافی اولیه کشف شده‌اند. برای پاسخ به این فرضیه، به تدوین پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای اقدام شد که پنج شاخص ذکرشده را دربر داشته باشد. برای هر شاخص نیز تعدادی متغیر و اطلاعات مربوط به آن‌ها از بین پاسخ‌گویان و با مقیاس رتبه‌ای-طیف لیکرت-گردآوری شد. در ادامه، برای تشخیص میزان مطلوبیت میانگین‌ها از آماره‌های توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین) استفاده شد.

برای شاخص اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس از ۵ عامل استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد از نظر پاسخ‌گویان «برخوردارانی از پشتیبانی مالی از سوی حزب یا اسپانسر مالی» با میانگین ۴/۳۷ و عامل «استقلال مالی کاندیدا»، که به برخوردارانی کاندیداها از درآمد ماهیانه بالا و استقلال نسبی مالی برای تأمین هزینه‌های انتخابات اشاره دارد، با میانگین ۴/۲۱ از عوامل مهم اقتصادی‌اند که بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس تأثیرگذارند و به نوعی محرک اصلی آن‌ها برای شرکت قدرتمند در انتخابات‌اند. توجه به عوامل

اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات به‌وضوح نشان می‌دهد که برخورداری زنان کاندیدا از شرایط مالی مناسب (سؤالات ۳ و ۴ و ۵) نسبت به مناسب‌بودن شرایط مالی جامعه محل سکونت کاندیدا (سؤال ۱ و ۲) از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است. توجه به جمع‌بندی نتایج به‌دست‌آمده برای عوامل اقتصادی نشان می‌دهد که همه پنج عامل اقتصادی به لحاظ مطلوبیت میانگین در سطح مطلوب قرار دارند و مشخص است که به‌رغم تأثیر بیشتر عوامل اقتصادی شخصی بر روند مشارکت زنان در انتخابات، دیگر عوامل نیز در این روند و میزان مشارکت مؤثرند (جدول ۲).

جدول ۲. تحلیل توصیفی عوامل اقتصادی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

عوامل اقتصادی	سؤال	میانگین	انحراف معیار	مطلوبیت <sup>۱</sup>
سطح نسبی رفاه بین مردم جامعه محل سکونت کاندیدا	Q11-1	۳٫۹۲	۰٫۷۸۴	مطلوب
سطح توسعه اقتصادی جامعه محل سکونت کاندیدا	Q11-2	۴	۰٫۷۷۱	مطلوب
وضعیت اشتغال (دولتی- خصوصی) کاندیدا	Q11-3	۴٫۰۲	۰٫۸۲۱	مطلوب
میزان درآمد ماهیانه کاندیدا و داشتن استقلال مالی	Q11-4	۴٫۲۱	۰٫۹۰۵	مطلوب
برخورداری از پشتیبانی مالی از سوی حزب سیاسی یا اسپانسر	Q11-5	۴٫۳۷	۰٫۴۴۶	مطلوب

منبع: ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۶

برای شاخص اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس از ۹ عامل استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از این بررسی نشان می‌دهد که از نظر پاسخ‌گویان عوامل «برخورداری زنان کاندیدا از ارتباطات اجتماعی- سیاسی قوی» در محیط کار و روابط مختلف اجتماعی با میانگین ۴/۴۴ و «فراهم‌بودن امنیت اجتماعی- روانی برای زنان کاندیدا» با میانگین ۴/۳۹، که به فراهم‌بودن شرایط روحی و جسمی مناسب برای زنان کاندیدا تا توانایی انجام‌دادن یک رقابت سالم و موفق با دیگر کاندیداها (به‌خصوص با دیگر زنان کاندیدای حزب خود یا زنان مردان کاندیدای دیگر احزاب رقیب) برمی‌گردد، به‌نحوی در این فرایند اثرگذارند و بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس بیشترین تأثیر را دارند. عامل اجتماعی مهم دیگری که به موفقیت زنان در انتخابات کمک شایانی کرده و محرک آن‌ها برای قدرت انتخاباتی و افزایش چانه‌زنی‌شان در فضای انتخاباتی بوده، عامل «برخورداری از سوابق متعدد اجرایی در فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی» با میانگین ۴/۲۸ است. توجه به این عامل نشان می‌دهد که

۱. در قسمت روش تحقیق به استانداردسازی نتایج نظرها در قالب میزان مطلوبیت پرداخته شد. برای مطالعه بیشتر به روش تحقیق مراجعه شود.



برخورداری نامزدها، و به خصوص زنان نامزد مجلس، از رزومه و سوابق اجرایی در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی و ارتباط آنها با زنان اقشار آسیب‌پذیر (مانند زنان سرپرست خانوار، یا زنان کارگر شاغل) در دوره‌های پیشین انتخابات مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه تهران، ری و شمیرانات تا حدود زیادی توانسته به موفقیت زنان در به‌دست‌آوردن کرسی‌های مجلس شورای اسلامی کمک کند. توجه به سوابق اجرایی برخی از زنان نماینده مجلس در دوره هشتم و نهم همچون فاطمه آلیا، فاطمه رهبر و لاله افتخاری، به‌عنوان نمایندگان تهران در مجلس شورای اسلامی، نشان می‌دهد که تأسیس و عضویت آنها در کمیسیون‌هایی همچون حمایت از حقوق معلولان، حقوق بشر مجلس، عضویت در فراکسیون زنان مجلس، عضویت در جمعیت زنان انقلاب اسلامی، تدوین سند فرابخشی توسعه امور زنان و خانواده، ریاست فراکسیون سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)، عضویت در شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان از سازمان ملل، شرکت در هیئت امنای مؤسسه‌های خیریه معتبر، ارتباط مستمر و گسترده با فعالان مسائل زنان در حوزه و دانشگاه و مدیران، مسئولان، اشخاص حقوقی و حقیقی و این‌دست از فعالیتهای تا حدود زیادی توانسته است بر موفقیت این زنان در انتخابات مجلس در دو دوره متوالی و بعضاً سه دوره متوالی مؤثر باشد (جدول ۳).

جدول ۳. تحلیل توصیفی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

مطلوبیت	انحراف معیار	میانگین	سؤال	عوامل اجتماعی- فرهنگی
نسبتاً مطلوب	۰,۶۸۳	۳,۵۷	Q12-1	وضعیت سنی زنان کاندیدا
مطلوب	۰,۵۵۱	۴,۲۱	Q12-2	سطح تحصیلات و تخصص علمی زنان کاندیدا
مطلوب	۰,۵۵۴	۴,۴۴	Q12-3	برخورداری زنان کاندیدا از ارتباطات اجتماعی- سیاسی قوی
مطلوب	۰,۶۹۵	۳,۹۴	Q12-4	وضعیت سواد و سطح آموزش بین مردم جامعه کاندیدا
مطلوب	۰,۵۴۷	۴,۳۹	Q12-5	فراهم‌بودن امنیت اجتماعی- روانی برای زنان کاندیدا
مطلوب	۰,۷۰۱	۴,۳۱	Q12-6	حمایت معنوی جامعه و خانواده از حقوق سیاسی زنان کاندیدا
مطلوب	۰,۷۴۹	۴,۰۷	Q12-7	استقبال مردم از کاندیداتوری زنان در انتخابات
مطلوب	۰,۶۷۳	۳,۹۲	Q12-8	وضعیت تعلقات مذهبی، طبقاتی و قومیتی زنان کاندیدا
مطلوب	۰,۶۱۱	۴,۲۸	Q12-9	سوابق متعدد اجرایی در فعالیتهای اجتماعی- فرهنگی

عوامل سیاسی از نظر پاسخ‌گویان نسبت به دیگر عوامل اهمیت کمتری داشت؛ همچون: «ویژگی فضای سیاسی حاکم بر محیط پرورش زنان به‌عنوان کاندیدا» با میانگین ۳/۶۰، «نقش مشوق‌های سیاسی- فرهنگی در کاندیداتوری زنان» با میانگین ۳/۶۱ و «مشارکت کاندیدا در دوره‌های پیشین انتخابات» با میانگین ۲/۹۴. توجه به این عوامل نشان می‌دهد که مشوقان سیاسی- فرهنگی بدون ایجاد پشتیبانی و حمایت مالی و معنوی در روند مشارکت زنان در انتخابات چندان مؤثر نیستند. عامل دیگر بررسی‌شده بحث شرکت کردن کاندیدا در دوره‌های پیشین مجلس (یا دیگر انتخابات‌ها) است که در صورتی که تجربه چندان در این زمینه نداشته باشند، نه تنها به موفقیت آن‌ها در دوره کنونی منجر نخواهد شد، بلکه ممکن است به کاهش روحیه اعتمادبه‌نفس کاندیدا و به تبع برهم خوردن تعادل روانی- شخصیتی آن‌ها نیز منجر شود و موفقیت در دوره کنونی را نیز از دست بدهند. توجه به وضعیت میانگین متغیرهای سیاسی نشان می‌دهد که اغلب این عوامل با کسب میانگینی بسیار بالاتر از حد ارزش عددی ۳ توانسته‌اند در وضعیت مطلوب قرار گیرند که خود بیانگر اهمیت زیاد این عوامل در روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

**جدول ۴. تحلیل توصیفی عوامل سیاسی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی**

عوامل سیاسی	سؤال	میانگین	انحراف معیار	مطلوبیت
داشتن مقام سیاسی یا اجرایی (فعال سیاسی یا اجرایی)	Q13-1	۳٫۹۷	۰٫۷۵۲	مطلوب
تعدد کاندیداهای زن در یک حوزه در مقایسه با عدم کاندیدا	Q13-2	۳٫۷۱	۰٫۸۶۷	مطلوب
رزومه شغلی دولتی (پایگاه شغلی دولتی- سیاسی)	Q13-3	۴٫۵۰	۰٫۶۴۷	مطلوب
تعلق خاطر به یک سازمان، گروه، حزب یا فرد خاص	Q13-4	۴٫۱۵	۰٫۶۳۷	مطلوب
ویژگی فضای سیاسی حاکم بر محیط پرورش زنان کاندیدا	Q13-5	۳٫۶۰	۰٫۸۲۳	نسبتاً مطلوب
نقش مشوق‌های سیاسی- فرهنگی در کاندیداتوری زنان	Q13-6	۳٫۶۱	۰٫۷۱۸	نسبتاً مطلوب
ارتباط کاندیداهای زن با سیاست‌مداران جامعه	Q13-7	۴٫۵۰	۰٫۶۰۴	مطلوب
مشارکت در دوره‌های گذشته انتخابات	Q13-8	۲٫۹۴	۰٫۸۰۳	نسبتاً مطلوب
عضویت رسمی در یک حزب سیاسی فعال	Q13-9	۳٫۷۶	۰٫۷۱۴	مطلوب
فاصله حوزه انتخاباتی از پایتخت از نظر اهمیت و نفوذ سیاسی	Q13-10	۳٫۸۶	۰٫۸۱۱	مطلوب

ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۸

برای شاخص جغرافیایی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس از ۶ عامل استفاده شد. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می‌دهد از نظر پاسخ‌گویان عامل «تراکم جمعیت بالا» با میانگین ۴/۶۰ و عامل «وسعت جغرافیایی و تعدد کرسی‌ها در حوزه» با میانگین ۴/۵۲ از نظر پاسخ‌گویان بیشترین اهمیت را در مشارکت زنان در انتخابات مجلس در مقایسه با دیگر عوامل دارند. عامل تراکم بالای جمعیت در حوزه انتخاباتی به وجود جمعیت زیاد (و به تبع جمعیت زیاد واجد شرایط رأی) منجر می‌شود و به این طریق کاندیدا فقط باید در جهت متقاعد کردن جمعیت بالقوه گام بردارد. از سوی دیگر، برخی از عوامل جغرافیایی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس از نظر پاسخ‌گویان اهمیت کمتری دارند که از جمله می‌توان به «مکان جغرافیایی ثبت تولد کاندیدا» با میانگین ۲/۸۹ اشاره کرد. توجه به مکان ثبت تولد برخی از نمایندگان زن دوره‌های هشتم، نهم و دهم مجلس شورای اسلامی در تهران، که با موفقیت به کسب کرسی‌های مجلس نائل آمدند، نشان می‌دهد که این عامل برای رأی‌دهندگان اهمیت بسیار کمی دارد و در بیشتر اوقات به شدت تحت تأثیر عواملی همچون رزومه و سوابق فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، دولتی و... قرار می‌گیرد؛ مثلاً، در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی در تهران، از مجموع ۵ نماینده زن این حوزه انتخابیه، فقط محل تولد خانم فاطمه رهبر شهر تهران بود و چهار نماینده دیگر از حوزه‌های اصفهان، کرمانشاه، شاهرود و ارومیه بودند. در دوره نهم مجلس شورای اسلامی نیز، از مجموع ۴ نماینده، ۲ نفر متولد شهر تهران بودند و ۲ نفر دیگر، که شامل فاطمه آلیا و لاله افتخاری هستند، به حوزه‌های ثبتی اصفهان و سمنان مربوط می‌شوند. نکته درخور توجه این است که به رغم تهرانی نبودن، این ۲ نفر برای دو دوره متوالی به عنوان نماینده حوزه انتخابیه تهران وارد مجلس شورای اسلامی شده‌اند. بررسی میزان مطلوبیت متغیرهای جغرافیایی نشان می‌دهد که نصف این عوامل (۳ مورد) درجه نسبتاً مطلوب و نصف دیگر آن‌ها (۳ مورد) وضعیت میانگین مطلوب داشته‌اند.

جدول ۵. تحلیل توصیفی عوامل جغرافیایی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

مطلوبیت	انحراف معیار	میانگین	سؤال	عوامل جغرافیایی
مطلوب	۰,۶۴۶	۴,۵۲	Q14-1	وسعت جغرافیایی و تعدد کرسی‌های مجلس هر حوزه
نسبتاً مطلوب	۰,۸۳۱	۲,۸۹	Q14-2	مکان (جغرافیایی) تولد کاندیدا
نسبتاً مطلوب	۰,۶۷۹	۳,۶۰	Q14-3	مکان سکونت کاندیدا در زمان انتخابات
مطلوب	۰,۴۹۵	۴,۶۰	Q14-4	تراکم جمعیت (تراکم بالا) در حوزه انتخاباتی
مطلوب	۰,۷۴۹	۳,۹۲	Q14-5	اهمیت موقعیت جغرافیایی حوزه انتخاباتی در سطح کشور
نسبتاً مطلوب	۱,۰۱	۳,۶۸	Q14-6	فاصله حوزه انتخاباتی از پایتخت (کاهش تعصبات قبیله‌ای)

ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۸

برای شاخص شخصیتی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس از ۷ عامل مؤثر استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که عوامل «توانایی مهارت در سخنرانی و خطابه» با میانگین ۴/۸۶ و «توانایی تحلیل مباحث کلان و خرد (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...)» با میانگین ۴/۷۶ توانسته‌اند بیشترین توافق نظر را بین اعضای جامعه مطالعه شده نصیب خود کنند و به عنوان بااهمیت‌ترین عوامل شخصیتی مؤثر در مشارکت زنان در انتخابات مجلس مطرح شوند. بررسی متغیرهای شخصیتی که به حالات رفتاری و روانی شخص کاندیدا برمی‌گردند نشان می‌دهد که برخی از متغیرها مانند تیپ شخصیتی، اجتماعی بودن شخصیت یا به عبارتی تقدیرگرا یا درون‌گرا و برون‌گرا بودن شخص کاندیدا، که از عواملی است که به روابط رودرروی بیشتری نیاز دارند، کمتر برای عامه مردم قابل درک بوده و در نتیجه قابلیت تأمل بسیار زیادی نیز ندارند. توجه به وضعیت میانگین متغیرهای شخصیتی مرتبط با کاندیداهای زن نشان می‌دهد که از نظر اغلب پاسخ‌گویان، اغلب عوامل شخصیتی در وضعیت میانگین مطلوبی قرار دارند؛ ولی مقدار میانگین اختصاص داده شده برای هریک از این متغیرها با یکدیگر فرق دارد و به بیانی شدت و ضعف متفاوتی دارد که این امر خود نشان‌دهنده میزان اهمیت هریک از این عوامل است.

جدول ۶. تحلیل توصیفی عوامل شخصیتی مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

عوامل شخصیتی	سؤال	میانگین	انحراف معیار	مطلوبیت
تیپ شخصیتی	Q15-1	۳,۲۱	۱,۰۶	نسبتاً مطلوب
اجتماعی بودن شخصیت کاندیدا	Q15-2	۳,۷۶	۰,۶۷۵	مطلوب
اعتقاد به فایده‌مند بودن مشارکت در انتخابات	Q15-3	۳,۹۲	۰,۵۳۹	مطلوب
داشتن تجربه، آگاهی و مهارت نسبت به وظیفه آتی	Q15-4	۴,۱۳	۰,۷۴۱	مطلوب
مهارت در سخنرانی و خطابه	Q15-5	۴,۸۶	۰,۳۴۲	مطلوب
توانایی تحلیل مباحث کلان و خرد (سیاسی-اجتماعی و...)	Q15-6	۴,۷۶	۰,۴۳۰	مطلوب
داشتن روحیه اعتماد به نفس و خودباوری	Q15-7	۳,۹۴	۰,۶۱۲	مطلوب

ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۸

در پایان پرسش‌نامه، شاخصی با عنوان موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان در انتخابات مجلس با ۱۲ متغیر طرح شد که در جهت پاسخ‌گویی به فرضیه سوم پژوهش کاربرد داشت. در این قسمت، مانند متغیرهای شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و...، با استفاده از تحلیل توصیفی به مقایسه میانگین متغیرهای آن پرداخته شد و وضعیت مطلوب بودن میانگین هریک از این متغیرها نیز مشخص شد. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که عوامل «بی‌اعتمادی مردم به عملکرد مدیران زنان» در پست‌ها و فعالیت‌های سیاسی- اجرایی با

میانگین ۴/۴۵، «اعتقاد مردم به مردانه‌بودن مجلس و سیاست» با میانگین ۴/۴۴ و «دیدگاه منفی و سنتی به زنان و فعالیت‌های آنان» با میانگین ۴/۳۶ از نظر پاسخ‌گویان مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستند. توجه به دو عامل وجود بذریع‌اعتمادی در ذهن مردم به عملکردهای اجرایی- مدیریتی زنان و داشتن این اعتقاد که کار نمایندگی مجلس فعالیت‌های مردانه است، به وضعیت فرهنگی جامعه و نگاه قومیتی، تعصبی، مردانگانه و سخت‌گیرانه آنان (خصوصاً مردان) باز می‌گردد و همین نوع نگاه سبب شده همه‌ساله اکثریت قریب‌به‌اتفاق کرسی‌های مجلس شورای اسلامی به مردان اختصاص یابد و تعداد بسیار کمی از کرسی‌ها نیز به زنان داده شود. این در حالی است که همه‌ساله بیشترین تعداد (بارها نزدیک به ۵۰ درصد) نمایندگان زن منتخب به حوزه انتخاباتی تهران و نصف دیگر به کل استان‌های کشور مربوط می‌شود. توجه به این طرز برخورد و به نوعی فرهنگ سیاسی- انتخاباتی مردم نشان می‌دهد که با فاصله گرفتن از تهران، به‌عنوان پایتخت کشور، این فرهنگ برای زنان بسیار سخت‌گیرانه‌تر می‌شود. دسته دوم موانع موجود بر کاهش مشارکت زنان در انتخابات مجلس به موانع قانونی و دولتی دلالت دارد که هرچند ظاهراً به‌عنوان مانع مطرح نیست<sup>۱</sup>، در واقع در مسیر مشارکت زنان در انتخابات اعمال قدرت می‌کند. این موانع- که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: «ضعف یا نقص قوانین موجود برای حضور زنان در انتخابات»، «فقدان سیاست سهمیه‌بندی حمایت زنان در بسیاری از کشورها»، «فقدان آموزش مناسب برای تربیت زنان در راستای مدیریت» و «حمایت نکردن رسانه‌ها از نهادهای دیگر از زنان»- تا حدود زیادی به ضعف قوانین دولتی در این زمینه برمی‌گردد و همواره به‌عنوان موانعی در مسیر افزایش مشارکت زنان در انتخابات مجلس مطرح‌اند.

به‌طور کلی، وضعیت مطلوبیت میانگین موانع بررسی شده نشان می‌دهد که از ۱۲ متغیر بررسی شده، تعداد ۹ مانع با برخورداری از وضعیت میانگین مطلوب بین پاسخ‌گویان با اتفاق نظر همراه بوده‌اند؛ بنابراین در ایجاد مانع در مسیر مشارکت زنان در انتخابات مجلس اهمیت زیادی دارند.

۱. از آنجا که سیاست افزایش مشارکت زنان در انتخابات و فعالیت‌های اجتماعی- سیاسی جامعه به گونه‌های مختلفی از سوی دولت‌های مختلف تبلیغ می‌شود، در واقعیت، با وجود موانع قانونی، مانند حمایت نکردن مجزا از زنان، ضعف قوانین انتخاباتی و مخالفت جامعه با فعالیت سیاسی زنان، موانع متعددی برای مشارکت زنان در انتخابات مجلس ایجاد می‌شود. اما باید توجه داشت که در دولت دهم، به نسبت دوره‌های هشتم و هفتم، موانع موجود تا حدودی کاهش یافته و زمینه برای افزایش مشارکت زنان در انتخابات مجلس فراهم شده است.

جدول ۷. تحلیل توصیفی موانع مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

مطلوبیت	انحراف معیار	میانگین	سؤال	موانع مؤثر بر مشارکت در انتخابات
مطلوب	۰٫۶۰۱	۴٫۴۴	Q16-1	اعتقاد جامعه به مردانه بودن نهاد مجلس و سیاست بی‌اعتمادی به عملکرد مدیران زن
مطلوب	۰٫۶۰۰	۴٫۴۵	Q16-2	دیدگاه‌های منفی و سنتی به زنان و فعالیت‌های سیاسی
مطلوب	۰٫۷۱۳	۴٫۳۶	Q16-3	حمایت نکردن احزاب سیاسی از زنان
مطلوب	۰٫۶۸۹	۴٫۱۰	Q16-4	حمایت نکردن رسانه‌ها و نهادهای دیگر از زنان
مطلوب	۰٫۵۰۳	۴٫۲۶	Q16-5	حمایت نکردن دولت، جامعه و خانواده از زنان
مطلوب	۰٫۷۶۳	۴٫۱۰	Q16-6	فقدان همکاری مؤثر و شبکه‌ای در میان زنان حاضر در مجلس
مطلوب	۰٫۷۰۴	۴٫۱۳	Q16-7	فقدان آموزش مناسب برای تربیت زنان در راستای مدیریت
مطلوب	۰٫۷۶۹	۴٫۰۵	Q16-8	فقدان سیاست سهمیه‌بندی حمایت زنان در بسیاری از کشورها
نسبتاً مطلوب	۰٫۷۹۲	۳٫۵۷	Q16-9	ضعف یا نقص قوانین موجود برای حضور زنان در انتخابات
نسبتاً مطلوب	۰٫۷۶۱	۳٫۵۲	Q16-10	مخالفت خانواده و جامعه با فعالیت سیاسی زنان
نسبتاً مطلوب	۰٫۷۶۷	۳٫۲۸	Q16-11	تفکر جامعه به بیشتر بودن وابستگی زنان در مقایسه با مردان
مطلوب	۰٫۹۸۲	۴٫۱۸	Q16-12	

ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۶

## یافته‌های تحلیلی

فرضیه اول پژوهش به صورت ذیل مطرح می‌شود که در این قسمت با استفاده از تحلیل استنباطی به شناسایی مقدار تأثیرگذار هر یک از عوامل پنج‌گانه در مشارکت زنان پرداخته می‌شود:

عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و شخصیتی بر روند مشارکت زنان

در انتخابات مجلس شورای اسلامی تأثیرگذارند.

از آنجا که داده‌های در دسترس پژوهش‌گر از نوع رتبه‌ای و برای هر متغیر است، با استفاده از محاسبه آماری<sup>۱</sup> به تبدیل مقیاس داده‌های موجود از رتبه‌ای به نسبی (شبه‌فاصله‌ای) اقدام شد و از این طریق امکان استفاده از آزمون T-test تک‌نمونه‌ای مستقل برای محقق فراهم شد؛ تا از طریق آن به مقایسه وضعیت اهمیت هر یک از عوامل بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس پرداخته شود.

1. compute

جدول ۸. نتایج آزمون T-test تک‌نمونه‌ای برای بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات

رتبه‌بندی اهمیت	مقدار فاصله از سطح اطمینان ۹۵٪			3 Value= Test				عوامل مؤثر بر مشارکت زنان
	جدد پایین	حد بالا	میانگین رتبه‌ای	معناداری	درجه آزادی	T مقدار	تفاوت میانگین	
۱	۱,۰۵	۱,۳۰	۳,۸۴	۰,۰۰۰	۳۷	۱۸,۸۴	۱,۱۷	عامل اقتصادی
۲	۱,۰۴	۱,۲۶	۳,۴۵	۰,۰۰۰	۳۷	۲۲,۰۹	۱,۱۵	عامل اجتماعی-فرهنگی
۴	۰,۷۵۰	۰,۹۷۶	۲,۲۱	۰,۰۰۰	۳۷	۱۵,۴۸	۰,۸۶۳	عامل سیاسی
۵	۰,۷۷۲	۰,۹۷۳	۲,۳۷	۰,۰۰۰	۳۷	۱۷,۵۷	۰,۷۸۲	عامل جغرافیایی
۳	۰,۹۸۵	۱,۱۸	۳,۱۳	۰,۰۰۰	۳۷	۲۱,۸۰	۱,۰۸	عامل شخصیتی
-	۰,۹۵۹	۱,۱۰	-	۰,۰۰۰	۳۷	۲۸,۹۳	۱,۰۳	شاخص کل عوامل مؤثر بر مشارکت

ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۸

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مقایسه میانگین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس با آزمون T-test تک‌نمونه‌ای (جدول ۷) مشخص شد که همه عوامل بررسی‌شده در مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مؤثر بوده‌اند. در این میان، عوامل «اقتصادی»، «اجتماعی-فرهنگی» و «شخصیتی» توانسته‌اند با کسب بیشترین اختلاف میانگین نسبت به ارزش عددی ۳ و بیشترین معناداری ( $P \leq 0,000$ ) به‌عنوان بااهمیت‌ترین عوامل مؤثر در افزایش میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مطرح شوند که در این میان عامل «اقتصادی» از سوی پاسخ‌گویان بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. از آنجا که برخورداری از پشتوانه مالی مناسب تا حدود زیادی به موفقیت کاندیداها کمک می‌کند، عواملی همچون برخورداری کاندیدا از شغل مناسب دولتی- خصوصی پردرآمد، داشتن درآمد ماهیانه بالا و استقلال کامل مالی از خانواده و دیگران و برخورداری از اسپانسر مالی برای

پرداخت هزینه‌های مربوط به تبلیغات انتخابات باعث سنگین شدن وزن عامل اقتصادی در میزان تأثیرگذاری بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی شده‌اند. نتایج به دست آمده از این آزمون نشان می‌دهد که عوامل «سیاسی» و «جغرافیایی» نیز در زمینه میزان مشارکت زنان در انتخابات مؤثرند، اما از آنجا که مقدار تفاوت میانگین این دو عامل در مقایسه با سه عامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و شخصیتی کمتر است، می‌توان به اهمیت کمتر این دو عامل در میزان مشارکت زنان واقف شد.

در ادامه، برای نتیجه‌گیری کلی از تأثیرگذاری عوامل مؤثر در مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، به جمع‌بندی عوامل پنج‌گانه بررسی شده در قالب شاخص کل عوامل مورد مطالعه اقدام شد و نتایج تحلیل آن با آزمون T-test تک‌نمونه‌ای بیانگر مقدار میانگین  $۴/۰۳$  و در سطح معناداری  $۰/۰۰۰۰$  ( $P \leq ۰/۰۰۰۰$ ) بیانگر این امر است که با معناداری ۹۹ درصد همه عوامل بررسی شده در میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مؤثر بوده‌اند و بنابراین با همین میزان اطمینان فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

از آنجا که در این بررسی پنج عامل بررسی شده هم‌تراز و در یک سطح به‌عنوان متغیر مستقل مطرح‌اند، به‌صورت هم‌زمان<sup>۱</sup> وارد معادله رگرسیونی شدند و نتایج ذیل حاصل شد: اول اینکه نتایج بیانگر مقدار ضریب تبیین تعدیل شده‌ای برابر با  $۰/۴۲۳$  بود که مقدار ۴۲ درصدی قابلیت تبیین و برانزگی داده‌های تأثیرات متغیر عوامل پنج‌گانه مؤثر بر میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی را تأیید می‌کند. دوم اینکه نتایج واریانس مدل رگرسیونی ذکر شده از نظر جامعه آماری پژوهش بیانگر پایین بودن مقدار  $f$  در محاسبه مدل رگرسیونی پنج‌متغیره است که در سطح کمترین خطای مجاز معنادار بود. سوم اینکه ضریب تأثیرات، که با مقدار بتا<sup>۲</sup> (ضریب همبستگی جزئی برای پیش‌بینی تأثیرات) محاسبه می‌شود، برای عوامل بررسی شده، از جمله اقتصادی  $۰/۳۵۱$ ، اجتماعی- فرهنگی  $۰/۲۹۳$ ، سیاسی  $۰/۳۱۳$ ، جغرافیایی  $۰/۲۷۹$  و شخصیتی  $۰/۲۸۰$  محاسبه شده است که نشان‌دهنده بالابودن تأثیرگذاری عامل اقتصادی و عامل سیاسی (بیشتر از مقدار  $۰/۳$  هستند) بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی است. از آنجا که ضریب رگرسیونی هم برای تشخیص جهت و هم تشخیص شدت تأثیرات به کار می‌رود، نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که جهت مقدار بتای به دست آمده مثبت بوده و شدت آن نیز، همان‌طور که گفته شد، از مقدار  $۰/۳$  بیشتر است. بنابراین، با تغییر جهت و شدت مقدار بتای هر یک از عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و شخصیتی، به‌عنوان متغیر مستقل، وضعیت میزان مشارکت زنان در انتخابات نیز به‌منزله متغیر وابسته تغییر خواهد کرد. بنابراین، با توجه به تحلیل موجود، نتیجه می‌گیریم که به‌ازای هر واحد تغییر در متغیرهای پیش‌بینی شده در عوامل پنج‌گانه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی و شخصیتی، متغیر وابسته مشارکت زنان در انتخابات نیز

1. enter

2. beta



به ترتیب میزان  $0/351$ ،  $0/293$ ،  $0/313$ ،  $0/279$  و  $0/280$  واحد تغییر خواهد کرد. به طور کلی، با توجه به یافته‌های حاصل از مدل رگرسیونی ذکر شده، مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد محاسبه شده در سطح خطای  $0/000$  معنادار بوده است ( $P \leq 0/001$ ). به همین دلیل، عوامل پنج‌گانه پیش‌بینی‌کننده بر متغیر وابسته میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی تأثیر گذار بوده و آن را به سمت افزایش تعداد زنان منتخب در دوره‌های آتی سوق می‌دهند (جدول ۹).

جدول ۹. نتایج مدل رگرسیونی برای تشخیص اثرگذاری عوامل پنج‌گانه بر مشارکت زنان در انتخابات

مدل رگرسیونی	مقادیر غیر استاندارد		مقدار استاندارد		نتیجه اثرگذاری
	مقدار b	خطای استاندارد	ضریب اثرات (Beta)	مقدار T	
مقدار ثابت	۱/۰۰۷	۰/۵۵۸	-	۲/۰۰۶	-
عوامل اقتصادی	۰/۳۳۸	۰/۰۹۰	۰/۳۵۱	۴/۱۵	تأیید
عوامل اجتماعی-فرهنگی	۰/۲۶۸	۰/۱۳۰	۰/۲۹۳	۳/۵۹	تأیید
عوامل سیاسی	۰/۲۹۰	۰/۰۶۹	۰/۳۱۳	۴/۱۴	تأیید
عوامل جغرافیایی	۰/۲۴۸	۰/۱۶۶	۰/۲۷۹	۳/۰۲	تأیید
عوامل شخصیتی	۰/۲۶۶	۰/۱۰۲	۰/۲۸۰	۲/۹۰	تأیید

(a) متغیر وابسته: مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی  
توجه: \*\* معناداری در سطح ۹۹٪ و سطح خطای  $P \leq 0/001$

ترسیم از نگارندگان، ۱۳۹۸

در کنار عواملی که به‌عنوان محرک مشارکت زنان در انتخابات مطرح‌اند، برخی دیگر از عوامل نیز به‌منزله مانع در مسیر این مشارکت عمل می‌کنند که فرضیه دوم به‌صورت ذیل به آن می‌پردازد:

به نظر می‌رسد موانع قانونی و عملی متفاوتی بر سر راه مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی تهران طی دوره‌های ۸، ۹ و ۱۰ وجود دارند.

هدف فرضیه دوم پژوهش نیز بررسی میزان اهمیت موانع شناسایی شده در کاهش روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس است. برای این فرضیه از یک شاخص موانع با ۱۲ متغیر استفاده شده است که داده‌های آن‌ها از بین پاسخ‌گویان و با مقیاس رتبه‌ای گردآوری شده‌اند. بنابراین، در دسته ناپارامتریک‌ها قرار دارند؛ مگر اینکه داده‌های آن‌ها توزیع نرمال داشته باشند. به همین دلیل، پیش از انجام دادن تحلیل آماری با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف به آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها پرداخته شد. در این آزمون، اگر سطح معناداری آزمون شده از  $0/05$  کمتر باشد، توزیع متغیرهای بررسی شده نرمال نیست و بالعکس. نتایج به‌دست‌آمده برای متغیرهای موانع نشان داد که در همه موارد سطح معناداری برابر با  $0/000$  بود ( $0/05 < 0/000$ ). بنابراین، متغیرهای پژوهش توزیع نرمال ندارند و فقط امکان استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک برای محقق وجود دارد. با توجه

به نتایج به دست آمده، برای تحلیل متغیرهای فرضیه دوم باید از آزمون مقایسه میانگین‌های فریدمن، که در دسته ناپارامتریک‌ها قرار دارد، استفاده کرد تا از یک سو به مقایسه میانگین‌های هر یک از موانع بررسی شده پرداخته شود و از سوی دیگر رتبه‌بندی هر یک از موانع بررسی شده از نظر میزان تأثیر آن‌ها در ایجاد مزاحمت در مشارکت زنان انتخابات مجلس بررسی شود. نتایج به دست آمده از آزمون مقایسه‌ای و رتبه‌بندی فریدمن نشان می‌دهد که موانع مشخص شده به مقدار زیادی در ایجاد مانع در روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی تأثیرگذارند. در این میان، بالاترین میانگین رتبه‌ای به ترتیب به سه عامل «بی‌اعتمادی به عملکرد مدیران و نمایندگان زن»، «اعتقاد جامعه به مردانه‌بودن نهاد مجلس و سیاست» و سپس «دیدگاه منفی و سنتی به زنان و فعالیت‌های سیاسی» اختصاص دارد.

جدول ۱۰. آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی موانع مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

موانع مشارکت زنان در انتخابات مجلس	میانگین رتبه‌ای	رتبه‌بندی	مقدار خی دو	درجه آزادی	معناداری
اعتقاد جامعه به مردانه‌بودن نهاد مجلس و سیاست	۸۰۵	۲	۹۶۱۸۲	۱۱	۰/۰۰۰**
بی‌اعتمادی به عملکرد مدیران زن	۸۲۵	۱			
دیدگاه‌های منفی و سنتی به زنان و فعالیت‌های سیاسی	۷۷۵	۳			
حمایت نکردن احزاب سیاسی از زنان	۶۶۴	۹			
حمایت نکردن رسانه‌ها و نهادهای دیگر از زنان	۷۲۸	۵			
حمایت نکردن دولت، جامعه و خانواده از زنان	۶۷۱	۷			
فقدان همکاری مؤثر و شبکه‌ای در میان زنان حاضر در مجلس	۶۸۸	۶			
فقدان آموزش مناسب برای تربیت زنان در راستای مدیریت	۶۶۶	۸			
فقدان سیاست سهمیه‌بندی حمایت زنان در بسیاری از کشورها	۴۵۳	۱۰			
ضعف یا نقص قوانین موجود برای حضور زنان در انتخابات	۴۳۳	۱۱			
مخالفت خانواده و جامعه با فعالیت سیاسی زنان	۳۵۱	۱۲			
تفکر جامعه به بیشتر بودن وابستگی زنان در مقایسه با مردان	۷۴۱	۴			

توجه: \*\* معناداری در سطح ۹۹٪ و سطح خطای  $P \leq 0.001$

به‌طور کلی، نتایج حاصل از آزمون فریدمن (جدول ۱۰) برای موانع مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که آماره‌ی دو با کمترین مقدار خود و در سطح مقدار معناداری ۰/۰۰۰ ایجاد شده است که در سطح خطای مجاز قرار دارد؛ بنابراین، فرضیه‌ی دوم پژوهش نیز با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

## نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر و موانع مشارکت زنان در انتخابات انجام شد. براساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای مستقل مشخص شد که همه‌ی عوامل بررسی‌شده در مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی مؤثر بوده‌اند. در این میان، عوامل «اقتصادی»، «اجتماعی- فرهنگی» و «شخصیتی» توانسته‌اند با کسب بیشترین اختلاف میانگین و معناداری به‌عنوان بااهمیت‌ترین عوامل مؤثر در افزایش میزان مشارکت زنان در انتخابات مجلس مطرح شوند که در این میان نیز عامل «اقتصادی» از سوی پاسخ‌گویان بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داد. نتیجه‌گیری کلی از تأثیرگذاری عوامل مؤثر در مشارکت زنان در انتخابات مجلس بیانگر این امر بود که فرضیه‌ی اول پژوهش تأیید می‌شود. در ادامه نیز، برای تشخیص میزان اثرگذاری هر یک از عوامل پنج‌گانه بر مشارکت زنان در انتخابات از آزمون رگرسیون خطی ساده استفاده شد و نتایج نشان‌دهنده‌ی بالابودن تأثیرگذاری عامل اقتصادی و عامل سیاسی بر مشارکت زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی بود. در فرضیه‌ی دوم پژوهش نیز، به بررسی وضعیت موانع در مشارکت زنان در انتخابات با آزمون مقایسه‌ای میانگین‌ها و رتبه‌بندی فریدمن پرداخته شد. نتایج نشان داد که موانع مشخص‌شده به مقدار زیادی در ایجاد مانع در روند مشارکت زنان در انتخابات مجلس تأثیر گذارند. در این میان، بالاترین میانگین رتبه‌ای به عامل «بی‌اعتمادی به عملکرد مدیران و نمایندگان زن» اختصاص دارد. نتایج حاصل از آزمون فریدمن نیز فرضیه‌ی دوم پژوهش را تأیید کرد. بر این اساس، نتایج با یافته‌های پژوهش پیشگامی فرد و کیانی (۱۳۹۴) و قاسمی و معالی (۱۳۹۳) همسو بود. لذا براساس نتایج آزمون فرضیه‌ها و نتایج تحلیل‌های استنباطی، که قسمتی از برآیند نهایی این پژوهش‌اند، برخی از این راهکارها عبارت‌اند از:

۱. از آنجا که در دوره‌های کنونی انتخابات به دلیل افزایش میزان هزینه‌های تبلیغات و ستادهای انتخاباتی برخورداری از مزیت اقتصادی به‌عنوان یک برگ برنده محسوب می‌شود، تلاش نامزدها برای داشتن پشتیبان مالی (پولی) از سوی حزب سیاسی یا اسپانسر مالی اهمیت بسیار زیادی خواهد داشت؛
۲. ارتباط با کانال‌های ارتباطی سیاسی- اجتماعی قوی و درعین حال معروف و صاحب‌نام تا حدود زیادی به موفقیت نامزدها، به‌خصوص در زمینه‌ی مطرح‌شدن در جامعه، اهمیت دارد؛

۳. امروزه، با اوج‌گیری فضای مجازی، نامزدها می‌توانند به کمک شبکه‌های پرتعداد اجتماعی ضمن ارائه گزارش فعالیت‌ها و اهدافشان، برای خود طرفداران دائمی دست و پا کنند؛
۴. پیروزی حسن روحانی در دوره پیشین مجلس به سبب قرارگرفتن در کنار شخصیت‌های صاحب‌نامی مثل هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی، به برهم خوردن توازن در آرا و کسب بسیاری از رأی‌ها در روزهای پایانی انتخابات منجر شد. بر این اساس، ارتباط کاندیداهای زن با سیاست‌مداران خوش‌نام جامعه می‌تواند تا حدود زیادی ضامن موفقیت آن‌ها در انتخابات باشد.

## منابع

- [۱] اسلامی، سعید؛ صائبی، غلامرضا (۱۳۹۴). «بررسی رفتار انتخاباتی زنان در ایران (مطالعه موردی: رفتار انتخاباتی زنان شهر رشت در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران دوره‌های دهم و یازدهم، سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۴، ش ۳، پاییز، ص ۴۷۷-۴۹۹.
- [۲] باستانی، سوسن؛ موسوی، مرضیه؛ حسین‌پور، فاطمه (۱۳۹۴). «جنسیت و توسعه در کشورهای اسلامی نفتی و بدون نفت»، *فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۲۳، تابستان، ص ۱۲۳-۱۵۱.
- [۳] پالیزان، محسن (۱۳۹۰). «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن»، *فصل‌نامه سیاست*، دوره ۴۱، ش ۲، ص ۳۳-۴۹.
- [۴] پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۴). *جزوه درسی جغرافیای انتخابات*، دانشگاه تهران.
- [۵] پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ کیانی، وحید (۱۳۹۴). «تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (دوره اول تا نهم مجلس، ۱۳۵۸-۱۳۹۱)»، *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش اول، بهار، ص ۵۳-۷۳.
- [۶] پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ لطفی، حیدر (۱۳۸۶). «تحلیلی بر مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران (مطالعه موردی: استان سمنان)»، *فصل‌نامه علمی-پژوهشی جغرافیایی سرزمین*، س ۴، ش ۱۵، پاییز، ص ۹۳-۱۰۲.
- [۷] جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، س ۷، ش ۲، ص ۸۷-۱۲۲.
- [۸] رضوی‌الهاشم، بهراد (۱۳۸۸). «تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی-اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ش ۲۱، آذر، ص ۶۰-۷۳.
- [۹] سرآمد، محمدحسین؛ یوسف‌زاده، منیره؛ فرزاد، رضا؛ موسوی، زهرا (۱۳۹۲). *دست‌نامه آموزشی انتخابات*، نشر مولانای بلخی.
- [۱۰] قاسمی، حاکم؛ معالی، فاطمه (۱۳۹۳). «عوامل محدودماندن مشارکت سیاسی زنان (بررسی

- عوامل محدودماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان» پژوهشنامه علوم سیاسی، س ۱۰، ش اول، زمستان، ص ۱۲۳-۱۵۶.
- [۱۱] قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۸). *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: میزان.
- [۱۲] قصیری بهمند، سودابه (۱۳۹۱). «زنان و مشارکت سیاسی»، نشریه مهیار، ش ۸۹، خرداد.
- [۱۳] گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). *جنگ علیه خانواده*، ترجمه معصومه محمدی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- [۱۴] لیپست، مارتین؛ دوز، رابرت (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: توس.
- [۱۵] میلبراث، لستر؛ گوئل، لیل (۱۳۸۶). *مشارکت سیاسی*، ترجمه رحیم ابوالحسنی، تهران: میزان.
- [16] Almond & Verba. (1975). *Civic Culture*, Princeton University Press.
- [17] Barkan, S. E (1999). "Race, Issue Engagement and Political Participation", *Race and Society*, No1: PP 63-76.
- [18] Huntington.S, (2000). *Third Wave of Democracy in the End of Twenty Century*, Translate by shahsa, Tehran: Rozaneh Pub [Persian].

